

پدیدارشناسی هرمنوتیک مکان

حیث مکانی میدان نقش جهان

مآذده انصاری



نشر پرورش

اصفهان ۱۳۹۳

سرشناسه	: انصاری، مانده، ۱۳۶۲ -
عنوان و پدیدآور	: پدیدارشناسی هرمنوتیک مکان: حیث مکانی میدان نقش جهان
مشخصات نشر	: مانده انصاری.
مشخصات ظاهری	: آبادان: پُرسش، ۱۳۹۳
شابک	: ۱۹۲ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی	: ISBN: 978 - 600 - 265 - 050 - 4
عنوان دیگر	: فیبا.
موضوع	: حیث مکانی میدان نقش جهان.
موضوع	: شهرسازی -- فلسفه
موضوع	: شهرسازی -- جنبه‌های زیست‌محیطی
موضوع	: هرمنوتیک
موضوع	: معماری -- فلسفه
رده‌بندی کنگره	: NA۹۰۳۱ / الف ۸ پ ۴ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی	: ۷۱۱ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۱۰۱۴۱



نشر پرسش

مانده انصاری

پدیدارشناسی هرمنوتیک مکان

حیث مکانی میدان نقش جهان

• لیتوگرافی سروش • چاپ: سوره • صحافی: سپاهان

• چاپ اول: ۱۳۹۳ • شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک ۴ - ۰۵۰ - ۲۶۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸

© حق چاپ محفوظ است.

نشر پرسش - آبادان - پریم - میدان آلفی - ساختمان اروند - تلفن ۰۹۱۳۳۰۹۲۱۰۶

نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۳۱۶ - ۸۱۷۳۵

فروشگاه: سی‌وسه‌پل - ابتدای چهارباغ بالا - مجتمع تجاری باران - واحد C.۱۲ - تلفن ۳۶۶۷۲۴۵۲

E-mail: porsesh.pub@gmail.com

info@porsesh-pub.com

www.porsesh-pub.ir

پیش گفتار

اگر چه مطالعات فراوانی دربارهٔ میدان نقش جهان صورت گرفته، پژوهش حاضر قصد دارد میدان نقش جهان را به شیوه‌ای خاص بررسی کند. در واقع آنچه این مطالعه را از دیگر تحقیقات متمایز می‌کند، همین روش یعنی پدیدارشناسی هرمنوتیک است. مبانی کتاب حاضر بر اساس اندیشه‌های مارتین هیدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) شکل گرفته است که با استفاده از آن «مکان» به عنوان یکی از مفاهیم پایهٔ معماری و شهرسازی، در میدان نقش جهان اصفهان توضیح و تبیین می‌شود.

میدان نقش جهان از جمله فضاهای شهری ایران است که به عنوان یک الگوی تمام عیار در تاریخچهٔ معماری و شهرسازی ایران می‌درخشد. این میدان در زمان صفوی و به دستور شاه عباس طراحی و اجرا شد و به عنوان مکانی که هر چهار ساحت زندگی اجتماعی آن زمان (مذهبی، اقتصادی، اداری، آموزشی) را یک جا در خود داشت، ماندگار ماند. راز ماندگاری میدان نقش جهان چیست؟

در دوران معاصر ماندگاری فضاهای شهری روز به روز کمرنگ تر می‌شود و فضا به عنوان عنصری خالی تلقی می‌گردد. این در حالی است که فضا پتانسیل‌های زیادی برای شکوفا شدن دارد و با استفاده از آنها می‌تواند خود را به مکان ارتقاء دهد. از سوی دیگر شاهد از بین رفتن مکان‌های غنی و ایجاد محل‌هایی تهی از معنا هستیم. این چنین است که بی‌مکانی تبدیل به مسأله‌ای اساسی برای انسان امروز شده است. در سایهٔ این بی‌مکانی انسان هویت خود را نیز باخته است. اگر در گذشته

بافت‌های تاریخی ایران کندوکاو کنیم، فضاهاى با هویت همراه با اصالت فرهنگی، فراوان به چشم می‌خورد. فضاهایی که هر یک خاطراتی در بطن خود دارند و در هماهنگی با معنای زندگی معنای خود را پیدا می‌کردند. در حقیقت مفهوم اصیل سکنی‌گزینی در زندگی سنتی ایرانی خود را نشان می‌دهد. این وضعیت اگر همچنان ادامه پیدا کند، چه بسا انسان‌ها بودن خویش را در پس پرده‌های رنگارنگ تکنولوژی به فراموشی می‌سپارند و کمتر احساس تعلق به مکانی را تجربه می‌کنند. این حس تعلق، ره‌آوردهای زیادی برای انسان امروز به ارمغان می‌آورد: امنیت، آرامش خاطر، احساس خودمآنی بودن، هویت و ... این گونه است که محیط با ارزش می‌شود و انسان خودش را جزئی از آن قرار می‌دهد و ارتباطی موثر با مکان می‌یابد.

یکی از عواملی که امروزه از فضای شهری ایران رخت بر بسته، احساس هویت و معنی‌دار بودن انسان در محیط است. در حقیقت احساس بی‌هویتی و غربت از مشخصه‌های انسان معاصر است. این مسئله در مناطق موسوم به جهان سوم، بیشتر نمایان است. یکی از مهمترین عوامل این امر احساس بی‌خانمانی است که نمود بارز آن عدم حس تعلق در فضاهای شهری است. در حقیقت چنین فضاهایی که انسان در آن تسکین یابد و به عبارتی دیگر سکنی‌گزیند، بسیار کمیاب شده است. به نظر می‌رسد احساس عدم تعلق تا حدود زیادی به جهت تسلط تفکر حسابگرانه و کمیت‌گرا باشد؛ چرا که مکان نیز در دوره جدید به عنوان کمیت صرف در نظر گرفته شده است. از آنجا که پدیده مکان یکی از مفاهیم پایه در طراحی شهری است، پرداختن به آن و آشکار کردن گوهر و ذات آن از اهمیت بالایی برخوردار است. این گونه معرفت موجب احیاء و یا تحول مفاهیم می‌شود و بر به‌کارگیری آن در عمل، مقدم است.

شناخت پدیدارشناسانه مکان و آشکار کردن سرشت و ذات آن به همراه دستیابی به ارتباطی موثر بین سکنی‌گزیدن و مکان از اهداف کلان کتاب پیش روست. در ادامه در توصیفی پدیدار شناسانه-هرمنوتیک میدان نقش جهان چونان مکان، با هدف شناسایی ساختارهای ثابت و متغیر که این میدان را به مکان ارتقا داده است، بررسی می‌شود.

اندیشیدن در مورد پدیدار مکان با رویکردی پدیدارشناختی - هرمنوتیک آغاز می‌شود. در فصل اول کتاب، مبانی نظری پیرامون پدیدارشناسی هرمنوتیک هیدگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم پدیدار مکان به صورت خاص انتخاب و نقش هنر در این آشکارگی بررسی می‌شود. در فصل سوم مکان در نسبت کالبدی با بنا مورد تحلیل قرار می‌گیرد و جنبه‌های مختلف این پدیدار در عرصه معماری تبیین می‌شود. فصل چهارم مکان میدان نقش جهان اصفهان را به سان یک پدیدار آشکار می‌کند. لازم به ذکر است منبع مبانی نظری این کتاب مطالعات نوربرگ شولتز در معماری و اندیشه‌های هیدگر در فلسفه است.

رویکرد پدیدارشناسی از اواخر دهه هفتاد سده بیستم میلادی به بعد با ترجمه آثار مارتین هیدگر و گاستون باشلار به حوزه تخصصی معماری و شهرسازی راه یافت. مقاله ساختن، باشیدن، اندیشیدن به عنوان منبع اصلی در این زمینه موجود است. در این مقاله رابطه بین ساختن، سکنی گزیدن و بودن انسان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و ارتباط صمیمانه انسان با مکان را منجر به تحقق چهارگانه (خدایان، میرایان، زمین و آسمان) تلقی می‌کند. او معتقد است که بودن ما (انسان) با اشیاء فرق دارد.

با مطالعات انجام گرفته این نکته حاصل شد که معماری گذشته ایران زمین بیشتر بر مبنای حضور آدمی در مکان شکل گرفته است. بدین منظور کوشش نگارنده بر آن است که ابتدا با طرح مبانی نظری لازم جهت شناخت پدیدارشناسانه مکان به برداشتی نوین از حیث مکانی میدان نقش جهان دست یابد.

لازم به ذکر است با توجه به اینکه اثر حاضر با اقتباس از پایان نامه کارشناسی ارشد اینجانب نگاشته شده است، مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه اساتید و مدیران محترم دانشگاه هنر اصفهان به عمل می‌آورم. خود را مرهون نکات بلند و راهنمایی‌های ارزشمند استادان فرهیخته جناب آقای دکتر علی غفاری، جناب آقای دکتر محمد مسعود، جناب آقای دکتر محمود قلعه‌نویی و سرکار خانم دکتر مرضیه پیراوی می‌دانم که با حسن توجه مرا در این مسیر یاری نمودند. شایسته است بالاترین مراتب تشکر و قدردانی بی‌شائبه خود را از خانواده مهربانم که در سمت

روشن وجودم خانه دارند و همسر صبورم که مهر بی‌پایانش را غروب نیست، ابراز دارم.

و اما در نهایت سپاس بی‌نهایت به پاس زحمات فراوان استاد فرزانه جناب آقای دکتر محمدجواد صافیان که کلامشان همواره هادی، روشنگر و دلگرم‌کننده در سراسر طی مسیرم بوده است. آنچه می‌دانم این است که بدون لطف خدا و کمک‌های بی‌شائبه ایشان امکان تقریر و انگیزه گردآوری این مجموعه بر من میسر نبود. امید است این نخستین گام کوچک راهگشای مطالعاتی عمیق‌تر از سوی سایر پژوهشگران باشد.

www.ketab.ir

مقدمه

در میان همه هنرها به یک اعتبار هیچ هنری به اندازه هنر معماری با زندگی ما انسان‌ها پیوند ندارد. زیرا ما در بنایی که توسط معماران ساخته می‌شود «سکنی می‌گیریم». هنر معماری بنایی را برای سکنی گزیدن و محلی را برای کار و فعالیت و مکانی را برای تفریح و سرگرمی و یا تعلیم و تعلم فراهم می‌کند. ما در اغلب اوقات در این اماکن و بناها به سر می‌بریم. به همین جهت نحوه بودن ما که از آن به باشیدن یا سکنی گزیدن (dwelling) تعبیر شده است، با بنا کردن رابطه‌ای ذاتی و غیرقابل انفکاک دارد. از آنجا که بودن ما در جهان چنان که مارتین هیدگر گفته است، بودن در قرب اشیاء و انس با دیگران است، آنگاه که این قرب و انس دچار خدشه و تزلزل می‌گردد و جای خود را به روابط سلطه و کینه می‌دهد، احساس بیگانگی و غربت می‌کنیم.

ما در هر بنایی احساس در خانه بودن نمی‌کنیم. امروزه در خانه‌هایی به سر می‌بریم که گویی چیزی بیش از یک خوابگاه یا استراحتگاه نیستند. خانه‌هایی که انبوه‌سازان و تولیدکنندگان مسکن به بازار عرضه می‌کنند و شهروندان اگر تمکنی داشته باشند، می‌خرند. به این ترتیب مسکن به کالایی اقتصادی تبدیل می‌شود. کالایی که تولیدکننده می‌کوشد با کمترین هزینه تولید کند و واجد بهترین بهره‌وری باشد؛ به اصطلاح «پرت» نداشته باشد و هر متر آن به کار آید. «به کار آید» یعنی بخشی از پذیرایی، اتاق خواب، یا آشپزخانه و... باشد. مشتریان کالای مسکن نیز

آن را به چشم سرمایه می‌نگرند و «دارایی» خود به حساب می‌آورند. وقتی خانه که محل سکنی گزیدن است به امری مبادله‌ای و قابل محاسبه و کالایی سرمایه‌ای تبدیل می‌شود، «هستی» ما به خطر می‌افتد؛ زیرا این امر نشانه آن است که به قول گابریل مارسل ما در داشتن خانه کرده‌ایم و بودن را به فراموشی سپرده‌ایم.

اگر «سکنی‌گزیدن» نحوه هستی ما است، لذا باید در جایی / خانه‌ای سکنی‌گزینیم؛ و اگر اقتضاء هستی و تقرر ما در جهان انس و مهر و دوستی با دیگران و حتی با اشیاء و جانداران است، باید به آنجایی / خانه‌ای که در آنجا سکنی می‌گزینیم، احساس تعلق کنیم و در آنجا خود را در خانه بیابیم. خانه باید شرایطی داشته باشد تا حس تعلق و در خانه بودن را ارضاء کند. وظیفه هنر معماری در ساختن خانه ایجاد چنین شرایطی است.

هنر معماری البته منحصر در ساختن خانه نیست بلکه هر گونه بنایی اعم از مدرسه و معبد و سالن تئاتر و سینما و ورزشگاه و کتابخانه و... را نیز معماران می‌سازند. این بناها به‌نوبه خود می‌توانند به‌گونه‌ای باشند که در آنها، حس تعلق متناسب با آن بنا در ما ایجاد شود یا که در آن خود را بیگانه و در غربت بیابیم. از آنجا که هنر معماری برخلاف بسیاری از هنرها، تزینی صرف نیست؛ واجد کارکرد و کاربرد است و پاسخگوی یکی از نیازهای اساسی آدمیان است. لذا سبک، کیفیت و ماهیت آن تا حدود زیادی تابع و آئینه روح جمعی و نحوه تقرر اجتماعی مردمان است. به‌نحوی که می‌توان از سبک و کیفیت معماری هر شهر و دیار و دوره‌ای تا حدودی به نحوه تقرر جمعی مردمان آن دوره و دیار پی برد.

اگر معماری شهرها، خانه‌ها، مساجد، مدارس و... ما بی‌هویت، بی‌روح و بی‌معنا است، آیا این نشانی از بی‌هویتی و بی‌معنایی جمعی ما نیست؟ بسیاری از مساجدی را که طی شصت هفتاد سال گذشته در شهرها و روستاهای کشور ما ساخته شده‌اند، اگر با مساجد قرون گذشته مقایسه کنیم، به راحتی درمی‌یابیم که بی‌هویتی حتی به بنای مساجد ما هم نفوذ کرده است. البته اگر غیر از این بود جای تعجب داشت؛ زیرا چگونه می‌توان تصور کرد که معماری خانه‌های قومی، بی‌روح و بی‌معنا شود ولی معابد و مساجد آنها به سبک و سیاق گذشته باقی بماند. این مطلب در خصوص

مدارس نیز صادق است. اما در این میان نمی‌توان معماران را مقصر دانست زیرا چنان‌که گفته شد، معماری هنری صرفاً وابسته به نبوغ فردی هنرمندان معمار نیست. معماری عمومی ما تابعی است از وضع روحی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ما و تا خانه هستی ما دگرگون نشود، خانه‌ها و بناهای مسکونی و عمومی ما نیز متحول نخواهد شد.

در بیش از یک‌صد سال اخیر که بسیاری از جنبه‌های اندیشه مدرن مورد نقادی متفکران بزرگ غرب قرار گرفته است، رویکرد پدیدارشناسانه که در اساس خود با رویکرد تقلیلی (Reductionalist) علمی، مخالف است، به اشکال مختلف کوشیده است، به جای آنکه اشیاء و امور و موضوعات را تابع روش و نگاه پژوهش علمی قرار دهد، به آنها مجال دهد که خود را از جانب خویش آشکار کنند. پدیدارشناسی که با هوسرل آغاز شد به سرعت توسط دستیاران و شاگردان او گسترش یافت و به‌ویژه با هیدگر به‌طور اساسی متحول شد. تا جایی که از دستاوردهای خود هوسرل نیز بسیار فراتر رفت و در عرصه‌های متنوع علوم از قبیل روانشناسی، روانکاوی، علوم اجتماعی، علم تفسیر، نقد ادبی، کلام و الاهیات، اسطوره‌شناسی و... تحقیق و پژوهش پدیدارشناسانه رواج یافت. با نگرش پدیدارشناختی اشیاء و موضوعات جلوه دیگری می‌یابند؛ زیرا از تابعیت تصورها و چارچوب‌های روش‌شناسانه علوم بیرون آمده و خود را از جانب خویش آشکار می‌کنند. این البته به آن معنا نیست که اشیاء و امور در پژوهش پدیدارشناسانه یکبار برای همیشه همه جوانب خویش را آشکار می‌کنند، بلکه به این معنا است: آنچه آشکار می‌شود، باید از جانب خود آنها باشد، نه آنکه از صافی تصورها و چارچوب‌های ما گذشته باشد.

از جمله مطالب بسیار مهمی که مورد امعان نظر پدیدارشناسان و در رأس آنها مارتین هیدگر قرار گرفت، مکان بود. پدیدارشناسی به مکان چه رویکردی می‌تواند داشته باشد؟ هیدگر که در وجود و زمان (۱۹۲۷) روش تحقیق خود را تلفیقی از پدیدارشناسی و هرمنوتیک معرفی کرد. او پی تحقیق در معنای وجود، به تفسیر پدیدارشناسانه دازاین (که تعبیر او از آدمی و لفظاً به معنای آنجا - بود است) به عنوان «جایی» که هستی در آنجا آشکار می‌شود، پرداخت. به این ترتیب مسئله مکان به

معنایی، محور پژوهش قرار می‌گیرد، اما جلوه‌های کاملاً جدید پیدا می‌کند. زیرا تا پیش از آن مکان موجودبینانه به عنوان ظرف اشیاء یا آخرین سطح حاوی (ارسطو) و یا امتداد صرف (دکارت) و یا شرط ماتقدم احساس بیرونی (کانت) دانسته می‌شد، اما اکنون در نسبت مستقیم با وجود و وجود آدمی نگریده می‌شود.

به دنبال این تحول، پدیدارشناسی به علمی که رابطه مستقیم با مکان دارند مانند علم جغرافیا و معماری که تلفیقی از علم و فن و هنر است، راه یافت و معماران و جغرافی‌دانان بزرگی از قبیل شولتز، سیمون، رلف و... با نگرشی پدیدارشناسانه به موضوعات و مسائل اساسی معماری و دانش جغرافیا پرداختند و در این علوم افق‌های جدیدی گشودند. در این رویکرد رابطه مکان و فضا نسبت به رویکرد دکارتی دگرگون می‌شود و مکان ذاتاً کمی دکارتی تبدیل به مکان انسانی و مرتبط با اوصاف هستی‌شناختی هستی آدمی و جایگاه زندگی انسانی آدمی می‌شود.

در رویکرد پدیدارشناختی به مکان چه در عرصه معماری و شهرسازی و چه در حوزه عمومی‌تر جغرافیا، نگاه به محیط زیست که امروزه متأسفانه در معرض خطرهای جدی و بعضاً جبران‌ناپذیر قرار گرفته است، انسانی‌تر و معنوی‌تر است. کتاب پدیدارشناسی هرمنوتیک مکان به قلم خانم مهندس مانده انصاری تلاشی است در جهت بررسی پدیدارشناسانه یکی از مهم‌ترین و با معناترین آثار معماری و شهرسازی ایران بلکه جهان یعنی میدان نقش جهان.

نویسنده فاضل کتاب کوشیده است با رویکرد پدیدارشناسانه - هرمنوتیک، میدان نقش جهان را به مثابه مکان به معنای پدیدارشناسانه آن معرفی کند. از آنجا که آشنایی ما با پدیدارشناسی و بویژه کاریست آن به عنوان رهیافتی به هنرها و از جمله معماری هنوز چندان عمیق و وسیع نیست، مسلماً کاستی‌ها و نواقصی در این گام‌های ابتدایی وجود دارد که شایسته است در آینده تدارک گردد و شاهد تحقیقات پدیدارشناختی ژرف‌تر و خلاقانه‌تری از سوی ایشان و دیگران باشیم.

محمد جواد صافیان

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

بهار ۱۳۹۳

فهرست مطالب

مقدمه / ۲

فصل اول: مکان‌مندی انسان / ۱۵

اصول و مفاهیم پدیدارشناسی / ۱۵

تعریف واژه پدیدارشناسی / ۱۶

هرمنوتیک / ۱۸

پدیدارشناسی هرمنوتیک / ۱۹

ظهور پدیدار بر انسان / ۱۹

بی‌خانمانی انسان معاصر / ۲۱

دکارت (فکر می‌کنم، پس هستم) / ۲۱

امتداد / ۲۲

ماهیت اشیاء مادی و ثنویت دکارتی / ۲۳

هیدگر و دکارت / ۲۴

پدیدارشناسی وجود / ۲۵

توصیف پدیدارشناختی جهان / ۲۷

حضور در جهان / ۲۸

موجودیت / ۲۸

فهم / ۲۸

سخن گفتن / ۳۰

در جهان بودن / ۳۱

در-بودن: مکان‌مندی دازاین / ۳۱

رفع دوری و جهت‌گیری / ۳۵

رفع دوری و جهت‌گیری در مکان / ۳۵

جمع‌بندی / ۴۲

فصل دوم: حقیقت و هنر / ۴۳

هنر / ۴۳

نگاهی به تعاریف معمول از مکان / ۴۳

خاستگاه هنر / ۴۵

هنر و شاعری / ۴۶

دریافت حقیقت از طریق هنر / ۴۷

نامستوری مکان / ۵۰

معماری به مثابه هنر / ۵۱

ظهور زمین و عالم در بنا / ۵۳

برپاداشتن مکان / ۵۵

سکنی گزیدن / ۵۶

سکنای شاعرانه / ۵۹

سکنی، مکان و معماری / ۶۲

جمع بندی / ۶۴

فصل سوم: پدیدار مکان / ۶۵

فضا و مکان / ۶۵

ارتباط فضا و مکان / ۶۹

گردآوری در مکان / ۷۳

روح مکان / ۷۶

معنای مکان / ۸۰

تعیین معنا / ۸۱

خصیلت / ۸۲

هویت مکان / ۸۴

هویت مکان و انسان / ۸۵

هویت در مرتبه کالبد / ۸۷

درون و بیرون / ۸۹

ژرفای مکان / ۹۵

گوهر ساختن / ۹۷

ساختن: نمایان‌سازی، تکمیل‌سازی و نمادین‌سازی / ۱۰۰

حالت‌های فهم انسان از محیط / ۱۰۴

پنج طریق ساختن / ۱۰۵

مکان‌های انسان ساخت / ۱۰۹

محصوریت / ۱۱۱

محصوریت و کرانه / ۱۱۲

تمرکز / ۱۱۴

اشکال مکان‌های انسان ساخت: مرکز و راه، حوزه / ۱۱۶

مرکز / ۱۱۸

مسیر / ۱۱۹

حوزه / ۱۲۲

جمع‌بندی / ۱۲۴

فصل چهارم: پدیدارشناسی هرمنوتیک میدان نقش جهان / ۱۲۶

پدیدار مکان در میدان نقش جهان / ۱۲۷

حضور انسان در میدان نقش جهان / ۱۲۹

موجودیت انسان در میدان نقش جهان / ۱۳۰

فهم میدان نقش جهان / ۱۳۰

زبان و میدان نقش جهان / ۱۳۰

در-بودن: در میدان نقش جهان بودن / ۱۳۰

رفع دوری و جهت‌گیری در میدان نقش جهان / ۱۳۱

ورود / ۱۳۱

رویارویی با مکان / ۱۳۳

- نامستوری در میدان نقش جهان/ ۱۳۸
باشیدن در میدان نقش جهان/ ۱۴۳
میدان نقش جهان به مثابه مکان/ ۱۴۷
روح مکان/ ۱۴۸
هویت میدان نقش جهان/ ۱۴۹
چیدمان کالبدی مکان/ ۱۵۱
عالی قاپو یا کاخ سردر/ ۱۵۳
مسجد جامع امام (عباسی)/ ۱۵۴
مسجد شیخ لطف‌الله/ ۱۵۶
فعالیت، موقعیت‌ها و اتفاقات میدان نقش جهان/ ۱۶۰
معانی فردی و جمعی/ ۱۶۴
تحصیلت میدان نقش جهان/ ۱۶۵
میدان نقش جهان به عنوان عرصه‌ای همگانی/ ۱۶۶
آرامش و سکون/ ۱۶۷
شکل/ ۱۷۰
تعیین فضایی/ ۱۷۱
یکپارچگی/ ۱۷۱
بدنه/ ۱۷۲
سرزندگی/ ۱۷۴
درون و بیرون/ ۱۷۶
واکاوی نظرات مشارکت‌کنندگان مکان/ ۱۷۸
پیشنهادات آینده/ ۱۸۱

منابع فارسی/ ۱۸۲

منابع لاتین/ ۱۸۶